

عکس روز یکشنبه ششم دی ماه ۱۳۸۸ تهران



بقیه در صفحه

عاشورای ۱۳۸۸

خیزی بسوی قیام سراسری

ارژنگ بامشاد



تظاهرات گسترده و مسالمت آمیز مردم در روزعاشورا، در تهران و دیگر شهرستان ها، توسط نیروهای سرکوب رژیم به خاک و خون کشیده شد. آتش گشودن بر روی جمعیت تظاهرکننده در روز عاشورا، و خشونت لجام گسیخته ای که در این روز به کارگرفته شد، نشان داد که ترس مرگ، باعث شده است که دستگاه ولایت.....
بقیه در صفحه ۲

از مرگ آیت الله منتظری متاسفم و نه عزادار!

یوسف لنگرودی - گوتنبرگ

یادداشت کوتاه آقای شالگونی درخصوص درگذشت منتظری و اکنش هایی به همراه داشته و
بقیه در صفحه ۴

" دیدگاه "

فعالیت در کمپین و حوزه زنان به ما آموخت از شرایط و اتفاقات نترسیم
سمیه رشیدی
بقیه در صفحه ۵

خبرهای :

ششم دیماه ۱۳۸۸ - ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹

برخی گزارشات و اخبار هفتم دیماه ۱۳۸۸
در صفحات ۶ - ۷ و ۸

بقیه در صفحه ۳

عاشورای ۸۸

ضربه بزرگ دیگر بر پیکر دیکتاتوری

برگرفته از روشنگری

بقیه در صفحه ۳

سال ۲۰۱۰، سال سرنوشت ساز برای جمهوری اسلامی
سال ۲۰۱۰، سالی پر خطر برای جمهوری اسلامی است که ... انشقاقی
رفع ناشدنی درونش را فراگرفته است.
بقیه در صفحه

دیدگاه *

دریایی از خون ملت ایران را از حکومت

اراندل و اوباش ظالم و جابر جدا می سازد!

خسرو شاکری (زند)
بقیه در صفحه ۴

عاشورای ۱۳۸۸ خیزی بسوی قیام سراسری

ارژنگ بامشاد

تظاهرات گسترده و مسالمت آمیز مردم در روزعاشورا، در تهران و دیگر شهرستان ها، توسط نیروهای سرکوب رژیم به خاک و خون کشیده شد. مأموران دستگاه ولایت به روی تظاهرات مسالمت آمیز مردم آتش گشودند و حداقل ۸ نفر را به شهادت رساندند. آتش گشودن بر روی جمعیت تظاهرکننده در روز عاشورا، و خشونت لجام گسیخته ای که در این روز به کارگرفته شد، نشان داد که ترس مرگ، باعث شده است که دستگاه ولایت دیگر حرمت عاشورا نیز رعایت نکند. این را از حاکمان اسلامی در چند ماه گذشته به کرات دیده ایم. آن ها که خود را مبلغ اخلاق و مهرورزی جا می زدند و پشت نقاب ارزش های اسلامی پنهان شده بودند، در زندان هایشان به دختران و پسران مردم تجاوز می کنند؛ آن ها که برای پاره شدن عکس خمینی بلوا به پا می کنند و فریاد و اسلما و اماما سر می دهند، به حسین جماران حمله می کنند و مراسم شب عاشورای خانواده خمینی را بر هم می زنند؛ آن ها که خود را پیروان راه و رسم حسین می نامند، در روز عاشورا به روی مردم آتش می گشایند. مبارزات مردم در شش ماه گذشته، آن چنان پرده از دغل کاری و سیمای ریا و دروغ رژیم دریده است، که دیگر موعظه های سران رژیم و روحانیون وابسته شان، جز با تمسخر مردم روبرو نمی شود.

عاشورای ۱۳۸۸، اجرای تصمیم دستگاه ولایت است که برای مقابله با تظاهرات مسالمت آمیز مردم به خشونت تمام عیار روی آورده است. وارد کردن تمامی نیروهای سرکوب تا دندان مسلح به خیابان ها و استفاده از تمامی ابزارهای سرکوب و حتی گلوله های داغ، نشانگر آن است که حاکمیت اسلامی دیگر راهی برای خروج از بحران نمی بیند. این امر از آن رو اهمیت می یابد که دریاپیم دستگاه ولایت در شرایطی قرار دارد که نه می تواند به پایان یافتن شکاف در میان پالانی ها امید ببندد؛ نه می تواند روی همگامی و همراهی بخش های گوناگون حکومتی و حتی روحانیون سنتی حساب کند؛ نه می تواند به خواست های مطالباتی و سیاسی مردم پاسخ به موقع و در خور دهد و نه می تواند روی سکوت و همسویی جامعه ی بین المللی حساب باز کند. این انزوی همه جانبه دستگاه ولایت، آن را به این نتیجه رسانده است که تنها می تواند روی حمایت دستگاه سرکوب پرور شده اش اتکا کند. اکنون حاکمیت اسلامی به سرنیزه تکیه زده است.

عاشورای ۱۳۸۸ نشان داد که دیگر امید به اصلاح رژیم و بازگشت به قانون اساسی به عنوان به اصطلاح میثاق ملی که برخی از آن دم می زنند، توهمی بیش نیست. مردم به مسالمت آمیز ترین شکل ممکن خواهان احترام گذاشتن حاکمیت به حق رأی شان حتی در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی شدند و با گلوله و تجاوز پاسخ گرفتند. مردم به نجیبانه ترین شکل ممکن خواهان رعایت حداقل حقوق اجتماعی و سیاسی و انسانی شان شدند، و با باتون و قمه و پنجه بکس و زندان و شکنجه پاسخ گرفتند. کارگران و زحمت کشان، زنان و جوانان، دانشجویان و دانش آموزان، روزنامه نگاران و هنرمندان با آرامش و متانت بی نظیری خواست های مطالباتی خود را بیان داشتند و با دستگیری رهبران شان و در هم شکستن تشکل های شا و با اخراج های گسترده پاسخ گرفتند. مردم محروم مناطق ملی با هزار زبان خواهان رفع ستم ملی و مذهبی شدند، و با چوبه های دار رو به رو شدند. و حتی روحانیون معترض با زبان موعظه و نصیحت از رهبران حکومت خواستند در سیاستی که در پیش گرفته اند تجدید نظر کنند ولی با بستن خانه و مدرسه و حصر خانگی روبرو شدند و حتی برگزاری مراسم ترحیم شان را نیز ممنوع کردند. و این همه نشان می دهد که دست یابی به هیچ یک از خواست های مردم و بخش های گوناگون آن در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی که بر بی حقی مطلق مردم و قدرت نیمه خدانی ولی فقیه استوار است، امکان پذیر نیست. همین واقعیت است که مردم را بیش از پیش متقاعد کرده است که باید عمود خمیه جمهوری اسلامی یعنی دستگاه ولایت را به توپ ببندند. شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خائنه ای، بیان این خودآگاهی توده ای است. مردم نشان داده اند که جز با حکومتی از آن خودشان و استوار بر ارگان های متشکل و توده ای خودشان، نمی توانند به آمل و آرزوهایشان برسند.

عاشورای ۱۳۸۸ نشان داد که جنبش اعتراضی مردم ایران، دیگر محدود به جمعیت جوان کشور و محدود به تهران نیست. نگاهی به ترکیب جمعیت شرکت کننده در تظاهرات ششم دی ماه، نشان می دهد که پیرو جوان، زن و مرد، دانشجو و کارگر، مدرن و سنتی در کنار هم فریاد مرگ بر دیکتاتوری سر می دهند. اکنون روز به روز بر جمعیت معترض و ناراضی افزوده می شود. ترکیب جمعیتی تظاهرات عاشورای ۸۸ بیش از هر تظاهرات دیگری، به سمت ترکیب جمعیتی انقلاب ۱۳۵۷ نزدیک شده است. این طلیعه امید بخشی است. تغییر ترکیب جمعیتی تظاهرکنندگان با گسترش تظاهرات به شهرهای گوناگون کشور، جرقه ی سراسری شدن اعتراضات توده ای را نیز زده است. اکنون تمامی کشور در مقابل دستگاه ولایت صف آرانی می کنند. و این نکته جدیدی است. از این رو عاشورای ۸۸ را باید نقطه عطفی در مبارزات شش ماهه اخیر مردم کشور دانست. گسترده تر شدن دامنه مردمی جنبش و سراسری شدن آن، نه تنها تداوم آن را تضمین می کند بلکه دستگاه سرکوب را نیز به تردید خواهند انداخت. دیگر سران حکومت نمی توانند پدنه دستگاه سرکوب را متقاعد که کنند که باید در مقابل به اصطلاح مشتی جوان احساساتی و خط گرفته از بیرون وارد عمل شوند. آن ها به چشم خود می بینند که در برابرشان مردم، کارگران و زحمت کشان، یعنی خواهان و برادران خودشان ایستاده اند. و این امر می تواند تیغ سرکوب را کند کرده، تردید در میان شان را افزایش داده و شکاف در میانشان بوجود آورد. روشن است که بدون ایجاد تزلزل در دستگاه سرکوب و بدون ایجاد شکاف در صفوفشان، راه پیشروی به سوی آزادی و برابری، بسیار خونبار و گران تمام خواهد شد.

عاشورای ۱۳۸۸ نشان داد مردمی که با خویشننداری بی نظیری در مقابل تمامی جنایت های رژیم و سرکوب و وحشیانه اش به شیوه ای مدنی و مسالمت آمیز خواست های خود را بیان می کردند، اگر لازم باشد در مقابل دستگاه سرکوب رژیم خواهند ایستاد. در تظاهرات ۶ دی ماه ۱۳۸۸ به چشم خود دیدیم که وقتی مردم بی دفاع و بی سلاح مورد حملات دستگاه سرکوب تا دندان مسلح قرارگیرند، تا ابد صبر نخواهند کرد. مردم حتی با دست های خالی شان توان آن را دارند که دستگاه سرکوب را درهم بپیچند. واقعیت این است که مردم هنوز تمامی امکانات و توانایی های خود را به کار نگرفته اند. وقتی سرکوب با خشونت بیشتری دنبال شود، مردم به راحتی می توانند چرخ های اقتصاد مملکت را از حرکت باز دارند. می توانند تمامی ادارات و مراکز فرهنگی و اجتماعی را تعطیل کنند. می توانند تمامی سیستم حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی را متوقف کنند. می توانند شیرهای نفت را ببندند و حتی به خودروهای سرکوبگران بنزین و گازوئیل نرسانند. و در کلام می توانند با اعصاب عمومی امکان هر نوع حرکت و واکنش را از سرکوبگران دستگاه ولایت بگیرند. این حربه ای است که هیچ ارتش و سپاهی توان مقابله با آن را نخواهد داشت. و مردم برای بکارگیری این حربه ی کارساز، خیز برداشته اند. و این خیز، ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را به صدا درآورده است.

۷ دی ماه ۱۳۸۸ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۹

مردم در خیابان ویلا،

مزدوران را خلع سلاح کردند!

آژانس ایران خبر

خبرنگار آژانس ایران خبر، تهران، عاشورا، ساعت ۱۴:۰۰: در خیابان ویلا، مزدوران یک ماشین تویوتا آوردند که در پشت آن سربازها و ماموران سرکوبگر را نشاندند بودند اما مردم دلیر حاضر درصحنه با شجاعتی و صف ناپذیر به سمت ماشین رفتند، متعاقباً ماموران سرکوبگر از ترس دررفتند، مردم هم ماشین مزدوران را آتش زدند.

در خیابان حافظ، مردم دلیر و آزاده تهران یک ماشین را زیر پل حافظ آتش زدند و ماموران را خلع سلاح کردند و باتوم و گاز اشک آور و کلاه مزدوران را گرفتند.

در روزهای قبل نیروهای سرکوبگر حمله میکردند و مردم فرار میکردند ولی امروز مردم حمله میکردند و ماموران فرار میکردند. ۶ دیماه ۱۳۸۸

عاشورای ۸۸ ضربه بزرگ دیگر بر پیکر دیکتاتوری

*از دست دادن کنترل بر مناطق مرکزی پایتخت در ساعاتی از روز، مقاومت حماسی مردم در برابر نیروهای سرکوب، همصدایی و همبستگی اعتراضی مردم بسیاری از شهرهای بزرگ با تهران، کاهش قابل توجه نقش خشونت و ارباب حکومت در مه‌ار طغیان.. اعتراضات گسترده عاشورای ۸۸ را به ضربه بزرگ دیگری بر پیکر دیکتاتوری تبدیل کرد...

روشنگری: تهران در روز عاشورا یک پارچه اعتراض بود. درگیری‌ها چنان چه در بخش خبری روشنگری لحظه به لحظه بازتاب یافته وسیع و گسترده بوده است. از ساعت ۱۰ صبح تا نیمه‌های شب اعتراضات در بخش‌های جنوبی، مرکزی و شمال تهران ادامه داشته است. حداقل بین ۷ تا ۹ نفر جان خود را در اثر تیراندازی مستقیم نیروهای وحشی و سربازان رژیم از دست داده‌اند. بیمارستان‌ها مملو از زخمیان است. تازه با پایان تظاهرات خیابانی که با صحنه‌های درگیری تن به تن با ماموران حکومتی نیز همراه بوده بخش‌های وسیعی از تهران در غریب فریادهای شبانه الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور غرق شد.

در عاشورای ۸۸ برای نخستین بار رژیم با وجود لشکرکشی گسترده برای ساعاتی کنترل بر مناطق مرکزی پایتخت را از دست داد و این مناطق در اختیار مردم معترض قرار گرفت. در این روز مردم در ابعادی گسترده تر از پیش در برابر نیروهای سرکوب به مقاومت برخاستند، خودروهای نیروی انتظامی را به آتش کشیدند، ماموران انتظامی و بسیجی را ضرب و شتم و خلع سلاح کردند، ساختمان بسیج شرکت نفت را آتش زدند و مقر پلیس در میدان ولی عصر را و موتورسیکلت‌های بسیجی‌ها را.

عاشورای ۸۸ از این جهت نیز که مواردی از ترمز آشکار بخشی از نیروهای انتظامی از دستور تیراندازی مستقیم به سوی مردم از سوی فرماندهان گزارش شد، بر اهمیت بوده است. اهمیت آن هم در این است که نشان می‌دهد صفوف سرکوبگران نیز یکپارچه نیست و استمرار جنبش اعتراضی و گسترش و ژرفش آن در اعماق و افزایش دامنه‌های رویارویی قطعا به واگرایی در میان این نیروها منجر خواهد شد.

صراحت و قاطعیت ضد دیکتاتوری حرکت مردم در عاشورای امسال از دیگر جنبه‌های شاخص اعتراضات این روز بود. صراحت و قاطعیتی که در شعارهایی چون "این ماه ماه خونه سید علی سرنگونه / تجاوز جنایت، مرگ بر این ولایت / زندانی سیاسی آزاد باید گردد/ دیکتاتور بدونه بزودی سرنگونه/ و مرگ بر خامنه‌ای تجلی یافت.

رژیمی که خود را نماینده خدا و پیامبر و مدافع ارزش‌های خاندان پیامبر مسلمانان می‌داند در روز عاشورا اعتراضات مسالمت آمیز مردم عزادار را به خاک و خون کشید و به جنایتی دیگر دست زد.

و این بار تهران تنها نبود. شهرهای اراک، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز، اردبیل، نجف آباد و بابل نیز در همصدایی با مردم تهران به اعتراض برخاستند.

اعتراضات روز عاشورا بی هیچ تردید ضربه بزرگ دیگری بر پیکر رو به زوال دیکتاتوری ولایت مطلقه فقیه وارد ساخت و جنبش اعتراضی را گامی دیگر به جلو برد. بعد از عاشورای ۸۸ کودتاچیان دیگر به سادگی قادر به کنترل اوضاع نخواهند بود. آنها به چشم خویش معنای شعار "توب، تانک، کهریزک" دیگر اثر ندارد را در حضور شجاعانه و حماسی جوانان در اعتراضات عاشورا دیدند. اگر زیر فشار ضربات پی در پی جنبش اعتراضی مردم چنان وارنرفته باشند که توانایی تحلیل اوضاع را بکلی از دست داشته باشند، باید دیگر فهمیده باشند که با توسل به خشونت دیگر قادر به مه‌ار طغیان نخواهند بود. در تمام ماههای پس از انتخابات خشونت جز افزایش دامنه اعتراضات مردم حاصلی برای سرکوبگران نداشته است. و حالا که در روز عاشورا که حتی رژیم شاه هم در کشتار مردم پرهیز می‌کرد، اینان روی اسلاف شان را سفید کرده و دست به کشتار جوانان زده‌اند، طبعاً باید در وحشت و اکنش مردم به این خشونت‌ها بر خود بلرزند. از همین حالا دادخواهی خانواده‌های قربانیان کشتارهای جدید و آزادی بی قید و شرط کلیه بازداشت شده‌گان اعتراضات روزهای تاسوعا و عاشورا در سراسر کشور زمینه ساز اعتراضات جدید خواهد شد.

چای گفتن ندارد که همچنان که حرکت اعتراضی ایرانیان دانمارک نشان می‌دهد، موج تازه‌ای از همبستگی ایرانیان خارج از کشور با جوانان دلیر و شجاعی که با سنگ در برابر گلوله مقاومت می‌کنند

کنند و حماسه می‌سازند؛ با دختران و پسران جوان زندانی، و با خانواده‌های یکایک جانباختگان در راه است.

رژیم شکنجه و تجاوز جنسی و تیراندازی مستقیم به سوی مردم بی سلاح در خیابان‌ها در تله‌ای گرفتار آمده است که نه راه پیش دارد نه راه پس. جواب خشونت طلبی اش را در تکثیر بی انتهای فریادهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای گرفته است و جواب عقب نشینی مطلقیتی اش در مورد مرگ آیت الله منتظری و آن تسلیم کذابی رهبرش را با برپایی اجتماع اعتراضی میلیونی و سرداده شدن همان شعارهای ساختارشکنانه. **دستگاه ولایی گنج و منگ از ضربات پی در پی جنبش اعتراضی، به سوی از دست دادن کنترل اوضاع و فروپاشی می‌رود.** چه عقب نشینی، چه خشونت طلبی بیشتر فقط دو راه مختلف مردم برای درهم کوبیدن بساط این دیکتاتوری و رویداد این لکه ننگ از دامن تاریخ معاصر ماست. **نظام ولایی با همه کبک و هیمنه اش رفتنی است.** این پیام اصلی جنبش اعتراضی مردم ایران است. ۷ دی ۱۳۸۸

اعتماد توقیف شد:

اشتراک: همانطور که پیشتر هم به اطلاع رسید، از صبح امروز ماموران امنیتی جمهوری اسلامی اقدام به دستگیری گسترده از فعالین سیاسی و دانشجویی زده‌اند. ضمناً دقایقی پیش خبر توقیف روزنامه اعتماد روی خبرگزاری‌های اصلاح طلب مخابره شد.

روایت قربانیان خشونت‌های عاشورا از بازداشتگاه مقاداد

جرس: یکی از افرادی که ظهر عاشورا توسط بسیجیان به پایگاه مقاداد منتقل شده بود به "جرس" گفت که ماموران علاوه بر ضرب و شتم شدید او و ده‌ها نفر دیگر، آنها را وادار کردند برای ساعات طولانی با چشمان بسته کلاغ پر بروند و روی زمین غلت بزنند. به گفته وی بسیجیان با بکاربردن الفاظ رکیک بازداشت شدگان را تهدید به تجاوز می‌کردند.

این منبع اعلام کرد که ماموران، کفش‌های بازداشت‌شدگان را ضبط کرده و پس از غروب آفتاب گروهی از آنان را با پای برهنه به بیرون از پایگاه هدایت کرده‌اند.

پایگاه مقاداد که در خیابان آزادی تهران واقع شده است در جریان تجمعات پس از انتخابات نقش مهمی در سرکوب معترضان داشته است. ۷ دی ۱۳۸۸

* پیوندها *

سردبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com/>

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.

از مرگ آیت الله منتظری متاسفم و نه عزادار!

یوسف لنگرودی - گویتبرگ

یادداشت کوتاه آقای شالگونی درخصوص درگذشت منتظری واکنش هایی به همراه داشته و مخصوصاً از جانب برخی از چپ های کشورمان مورد انتقاد شدیدی قرار گرفته است. اساس انتقادشان هم این است که در این یادداشت، صف مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم و مذهب و قاطعیت کمونیستی درهم ریخته شده و چنین چیزی قابل پذیرش نیست.

در این رابطه لازم است تاکید کنم؛ که نگرانی هریک از این افراد در این خصوص کاملاً بی‌مایه است و منطقی با خود ندارد. به آنان توصیه می‌کنم که بدون پیشداوری، ابتداء یکباردیگر به دقت آن یادداشت کوتاه را بخوانند - هر چند آن متن چنان از وضوح و شفافیت برخوردار است که برای فهم آن نیازی به بازخوانی و صرف انرژی دیگر باره نمی‌باشد - اما خوب است چنین کنند تا دریابند که در این باره عجولانه و یکسره اشتباه قضایات می‌کنند. و اگر هم بخواهیم قدری عادلانه در مورد آقای شالگونی و روش او در برخورد با مذهب اندیشه کرده باشیم، باید به این مطلب اشاره کنم که نامبرده در طول تاریخ کشورمان و مخصوصاً در میان تنوریستین های مارکسیست ایرانی، کسی به اندازه او به تحقیق و مبارزه همه جانبه بر علیه مذهب دست نزده و اگر روشنگری های او در این خصوص بدرستی درک شود در کارزار مبارزه برای سوسیالیسم و دموکراسی مورد توجه قرار گیرد، صفوف مبارزه طبقاتی کارگران و همه زنان و مردان زحمتکش کشورمان را بر علیه سرمایه داری و ارتجاع مذهبی هر چه بیشتر نیرومند تر خواهد نمود.*
آنانی که تصویری کنند با ناسزاگویی دائمی به مذهب، بویژه مذهب اسلام از همه کمونیست ترند، باید بدانند که به بیراه می‌روند و تنها شکل گیری متحد و نیرومند جبهه کارگران و همه لگد مال شده گان را تضعیف می‌کنند. اما در مورد شخص منتظری آقای شالگونی هرگز دچار توهم و خوش خیالی نبوده و از او بی‌غنوان یکی از بنیانگذاران نظام قرون وسطایی جمهوری اسلامی و از نظریه پردازان اصلی ولایت فقیه نام می‌برد و حتی روشن می‌کند حقوق بشری که مورد نظر شخص منتظری بوده نه یک حقوق بشر مدرن و دموکراتیک بلکه از آن نوعی ایست که نگاه به عقب دارد و دارای باری ارتجاعی است. به نظر من؛ نه رها کردن قدرت توسط منتظری و نه فاصله گرفتن او از رژیم سرکوبگر ولایت فقیه در جریان کشتارهای سال ۶۷ و نه مقابله دائمی و تعطیل ناپذیر او در همه این سالها در برابر رژیم و بالاتر از همه حتی حفظ حساسیت های انسانی که او برای آن بهای سنگینی پرداخته نیز باعث آن نخواهد شد که پرچم داران آزادی و سوسیالیسم در مرگ او به عزاداری بنشینند.

در همه این سالهای پُر آتش و خون، شمار زیادی از مبارزان راه آزادی - چه با نام و نشان و چه بی نام و نشان - به خاک و خون افتاده اند که باید در سوگ مرگ آنان به عزای نشست، برای آنان باید از ته دل به عزای نشست که سیواش و ارزوستانه اند و جان بر سر آزادی نهاده اند.

آقای منتظری حتی در چهارچوب روحانیون موسوم به "الهیات رهاییبخش" که در پاره ای از جنبش های دموکراتیک در کنار مردم آزادیخواه علیه دیکتاتوری و تسلط امپریالیسم، بخصوص در امریکای لاتین، مبارزه کرده اند، نمی‌گنجد. صرف مبارزه با استبداد دلیلی بر حقانیت کسی نمی‌تواند باشد. همانطور که خمینی در مبارزه با استبداد سلطنتی، همیشه مظهر ارتجاع بوده است. البته در اینجا به هیچ وجه قصد مقایسه قرار دادن منتظری و خمینی نیست. بهر حال به نظری می‌رسد که با مرگ آیت الله منتظری یک منتقد با نفوذ و خستگی ناپذیر، علیه حکومت ولایت فقیه در مقابل این رژیم حذف گردید و این جمهوری اسلامی را که در جوار بحران و درهم ریختگی به سر می‌برد، در تهاجمات اش علیه مردم گستاخ تر خواهد کرد. و قبل از هر چیز درست به همین دلیل و سپس به خاطر آنکه منتظری مخصوصاً در این سالها از گذشته سیاه خود فاصله گرفته بود و همچنین به خاطر لطمات سنگینی که به خانواده و بستگانش به دلیل انتقاد از رژیم برای او بوجود آمده و سالهای زیاد رادرمحدودیت فراوان و حبس خانگی بسر برده است، من بعنوان یک کمونیست از مرگ او متاسفم و تصویری کم که مبارزان دموکرات نیز، از مرگ او متاسف خواهند بود و خانواده و بستگانش را در برابر حملات انتقام جویانه و درنده خویی رژیم تنها نخواهند گذارد و از حق آزادی بیان آنان و حق شهروندی شان با اشتیاق دفاع خواهند نمود.

*البته همه می‌دانند که؛ محمد رضا شالگونی با کاروتلاش فراوان در زمینه های دیگری نظیر: "دموکراسی و مسائل ملی در ایران"، "پیرامون بحران سوسیالیسم موجود"، "نقش چپ در مبارزه با اسلام گرایی"، "رویارویی سوسیالیسم و مذهب از جابجایی خیزد"، همچنین دفاع خستگی ناپذیر از آزادی های بی قید و شرط سیاسی، بررسی موقعیت وضعیت جهانی سرمایه داری، بحث های نوو اثرگذاری را، در سطح فعالان جنبش کمونیستی ایران باقی گذاشت و به سهم خود توانایی ها و نقاط ضعف این جنبش را آشکار ساخته است. ۲۱ دسامبر ۲۰۰۹

دیدگاه *

دریایی از خون ملت ایران را از حکومت

اراذل و اوپاش ظالم و جابر جدا می‌سازد!

خسرو شاکری (زند)

قتل های متوالی و هزارگانه تبهکاری و فساد خان و مان برانداز از همان فردای انقلاب ملت ایران را آهسته آهسته از حکومت اوپاشان، اراذل و اجامر جدا می‌کرده است. اگر جنایت های آغازین حکومت اراذل و اوپاشی چون خلخال و لاجوردی برای آگاهی همه ی مردم ایران ناکافی بود، کشتار رذیانه سال ۱۳۶۷ و قتل های زنجیره ای آغازی بود برای بیداری کسانی که هنوز در دام مکتبی حکومت «اسلامی» غوطه ور بودند. با این همه، هنوز کار به استخوان ها نرسیده بود. شهادتانه ترین انتخابات حکومت اراذل و اوپاش «اسلامی» چشم همگان، حتی جناح اصلاح طلب، را نسبت به سرشت این نظام بازکرد. اگر آنان، به ناچار، یا بنابر عادت یا باور توهم آمیزی، همچنان به «آرمان حکومت اسلامی» چسبیده بودند و خواهان بازگشت به همان نظامی بودند که سرشت اش را آیت الله منتظری در خاطرات خود بهتر از هر کس دیگری بر ملا ساخته است، اگر قتل ندا آقا سلطان، سهراب، و ده ها تن دیگر، چون فرزند رئیس دفتر پست نامردی چون محسن رضایی، هنوز کاسه ی صبر همه ی مردم ناراضی را لبریز نکرده بود، امروز دیگر حتی موسوی و کروبی نیز با دریایی از خون از نظام اسلامی جدا شده اند. دیگر موسوی و کروبی نمی‌توانند کشته شدگان را از خود ندانند. خون بستگان و عزیزان آنان نیز به رود خونی پیوسته است که با قتل ناجوانمردانه ی دکتر سامی و آیت الله طالقانی آغازید و با قتل های درون و برون کشور هر روز بیش از پیش چون موجی عظیم در جریان شستن این بزرگترین ننگ تاریخ ایران بوده است.

امروز با به خون کشیدن بخشی از جان موسوی - که داند که فردا نوبت کروبی هم نرسد - دیگر این رود معنای دیگری یافته است. قتل علی موسوی، خواهر زاده ی میر حسین موسوی چنان سدی بین، نخست وزیر خمینی پس از مهندس بازرگان، از یک سو، و حکومت اراذل و اوپاش، از دیگر سو، به وجود آورده است که هر گونه مصالحه ای را با حکومت اجامر غیر ممکن می‌سازد؛ در غیر آن صورت، اصلاح طلبان دیگر جایی در میان مخالفان سرسخت و پیگیر این حکومت نخواهند داشت. قتل خواهرزاده ی موسوی، که به احتمال قوی با محاسبه برای منع وی از ادامه ی مخالفت با حکومت اراذل و اوپاش صورت گرفته است، نمی‌تواند وی را از ادامه ی کار بازدارد. امروز دیگر خونی خانوادگی موسوی را از حکومت اسلامی جدا می‌سازد، چنانکه هرگونه سازشی او را در چشم نزدیک ترین کسان اش هم بی اعتبار خواهد ساخت.

دیگر زمان آن رسیده است که موسوی و کروبی فاتحه ی این حکومت را بخوانند و در عمق به این جنبش بی سابقه ی مردمی به پیوندند و شعار «جمهوری ایرانی» را، که خودجوش از میان مردم عاصی از حکومت اراذل و اوپاش «اسلامی» برخاسته است بپذیرند و برای پیروزی نهضت مردمی، دموکراتیک، عدالتخواهانه، و برآستی آزادیخواهانه به مردم بپیوندند.

در چنین صورتی است که جنبش می‌تواند از این حالت منقطع خود به جنبشی پیگیر روزانه با شعار های مشخصی تبدیل شود که از آغاز مشروطیت سرشت و هویت آزادیخواهی و عدالتخواهی نهضت مردمی را مشخص کرده اند.

برای پرهیز از افتادن به دام دور باطل خشونت - خشونت که مسلماً می‌تواند حکومتی مشابه حکومت های پیشین را باز بسازد، باید بر سرشت مسالمت آمیز مقاومت مدنی منفی (از جمله اعتصاب های سراسری برای فلج کردن رژیم اوپاشان) پای فشرده، مقاومتی که پیشاپیش میخ نهایی را بر تابوت استبداد می‌کوبد و دموکراسی را سرانجام به واقعیتی ملموس و مسوول بدل می‌سازد. در چنین چشم اندازی، نهضت مردم، چون بهمنی رژیم کنونی را از میان برخواهند داشت، چه با پیوستن عملی هر روز بیشتر مردم ناراضی و عاصی دیگر حکومت شیخکان سفاک و اراذل و اوپاشان تاب مقاومت نخواهد داشت. بقیه در صفحه ۸

" دیدگاه "

سمیه رشیدی:

فعالیت در کمپین و حوزه زنان به ما آموخت از شرایط و اتفاقات نترسیم!

خبرگزاری هرانا - حقوق زنان: سمیه رشیدی فعال حقوق زنان از فعالان کانون هستیا اندیش و کمپین یک میلیون امضا شنبه ۲۹ آذر ماه، بعد از حضور در دادگاه انقلاب بازداشت و روانه زندان اوین شد. پیش از آن نیز ۵ مامور (در ساعت ۶ صبح روز ۲۳ آذر) به طور ناگهانی وارد منزل سمیه رشیدی شدند و به تفتیش منزل، وسایل شخصی او و دیگر دوستان ساکن در آن خانه پرداختند. رشیدی همچنین در سال تحصیلی جاری به دلیل ستاره دار شدن از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان محروم شد. و تلاش او با وجود پی گیری وضعیتش برای ورود به دانشگاه بی ثمر ماند و از حق انسانی تحصیل محروم شد. آنچه می خوانید گفتگویی است با این فعال حقوق زنان که همه تلاش و فعالیتش در حوزه مدنی و فعالیت دانشجویی بر مسائل زنان و تبعیضاتی که علیه زنان اعمال می شود متمرکز بود. ترجمه گفتگوی منتشر شده او در بخش انگلیسی را می خوانید. گفتگوی دیگری هم با او را پس از محروم شدنش از تحصیل داشتیم که در روزهای بعدی منتشر خواهد شد. به امید آرزای او دیگر حق طلبان دربند.

* سمیه لطفاً از خودت و نحوه ورودت به فعالیت در حوزه زنان
برایمان بگو:

سمیه: من ۲۳ ساله هستم و مدرک کارشناسی ام را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی گرفته ام. پیش از ورود به دانشگاه به دلیل حساسیتهای شخصی و نظراتی که درباره مسائل زنان داشتم، همیشه فمینیست خوانده می شدم. من دقیقاً معنی این کلمه را نمی دانستم. فکر می کردم فمینیست یعنی برتری زنان نسبت به مردان. به همین دلیل از اینکه مرا فمینیست بنامند زیاد خوشحال نمی شدم. بعد از ورود به دانشگاه و با توجه به اینکه رشته ام جامعه شناسی بود فرصتی پیدا کردم تا بیشتر درباره مفهوم فمینیسم بیاموزم و نظریات فمینیستی را مطالعه کنم. این را هم باید بگویم که در دانشگاه ما رشته مطالعات زنان نیز تدریس می شد و همین موضوع باعث شده بود درک بهتری از فمینیسم و مسائل مربوط به زنان بین دانشجویان و اساتید دانشگاه وجود داشته باشد.

در دانشگاه با گروههای فعال دانشجویی آشنا شدم. در این دوره به دلیل تبعیضی که بین دانشجویان دختر و پسر در گروههای دانشجویی وجود داشت نسبت به مسئله زنان و تبعیض علیه آنان حساس تر شدم. در نتیجه فعالیتها و نظرات من در این گروهها به شکلی بود که آنجا هم مرا فمینیست می نامیدند. مثلاً من به جای پوشیدن مکتبه تیره رنگ معمول برای دختران دانشجو، همیشه روسری های رنگی سر می کردم. سپس شروع به نوشتن مطالبی درباره مسائل زنان کردم و در راستای مخالفت با تفکیک جنسیتی سلف دانشگاه فعالانه کار کردم. گروههای مطالعاتی و کارگاههای مختلفی در مورد زنان به راه انداختم و با اساتیدی که دروس مربوط به فمینیسم و مسائل و شرایط زنان را تدریس می کردند ارتباط برقرار کردم. همچنین در جمعاعات دانشجویی به ویژه آنها که به مسئله تبعیض علیه زنان مربوط بودند شرکت کردم.

در همین زمان با دانشجویانی که در جنبش زنان فعالیت می کردند نیز آشنا شدم و از طریق آنان از جمعاعات و گردهم آنیهای مربوط به روز جهانی زن (۸ مارس) آگاه شدم و در برخی از آنان هم شرکت کردم. همچنین با سایر دانشجویان فعال در حوزه زنان تصمیم به راه اندازی انجمنی در رابطه با مسائل زنان در دانشگاه گرفتیم.

* آیا هنوز در این انجمن دانشجویی فعالیت می کنی؟

سمیه: نه. با شروع دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد و تغییر سیاستها و در پی تعویض ریاست دانشکده، انجمن ما به دستور مقامات دانشگاه تعطیل شد. من نیز چندین بار در رابطه با فعالیتهایم در این انجمن به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدم.

* بعد از آن چه کارهایی انجام دادی؟ آیا فعالیتهايت در حوزه زنان محدود شد؟

سمیه: نه. در سال ۸۳ این فرصت را پیدا کردم که با کانون هستیا اندیش، یک مرکز غیردولتی در امور زنان، آشنا شده و شروع به همکاری با آن کردم. در جلسات مختلف این کانون و برنامه هایی مثل برنامه آگاهی رسانی در حوزه بیماری ایدز شرکت کردم. هنوز هم با این ان جی او مشغول به همکاری هستم. بعد از ۲۲ خرداد ۸۵ و شرکت در تجمع اعتراضی زنان در مخالفت با قوانین تبعیض آمیز که در میدان هفت تیر تهران برگزار شد و همچنین به دلیل فعالیتهايم در حمایت از حقوق زنان، به مدت یک ترم از دانشگاه اخراج شدم.

* چطور با کمپین آشنا شدی؟ آیا این آشنایی از طریق شرکت در تجمع میدان هفت تیر شکل گرفت؟

اعضای کانون هستیا اندیش فعالانه در برنامه ریزی و اجرای هر دو تجمع در حمایت از حقوق زنان- در خرداد ۸۴ مقابل دانشگاه تهران و ۸۵ در میدان هفت تیر- شرکت داشتند. پس از تجمع هفت تیر من به شهر محل زندگیم مشهد بازگشتم. دانشگاهها تعطیل بود و ما تعطیلات تابستانی را می گذرانیدیم. اما دوستان و همکاران من در هستیا مرا از شروع فعالیتی بنام کمپین یک میلیون امضا آگاه کردند. وقتی در شهریور ماه به تهران بازگشتم در کمپین عضو شدم. بدلیل فعالیت و تجربه در حوزه آموزش در هستیا، در کمیته آموزش کمپین شروع به کار کردم. پس از آن چند ماهی هم در کمیته داوطلبان همکاری کردم. در حال حاضر فقط عضو کمیته آموزش کمپین هستم.

* تو فعالیت در رابطه با زنان را در حوزه های مختلف تجربه کرده ای.

سمیه: در دانشگاه، در کانون هستیا اندیش و در کمپین. به نظر تو فضای کمپین با آنچه تو قبلاً تجربه کرده بودی تفاوتی دارد؟

در دانشگاه برای اینکه در حوزه اجتماعی فعالیت کنی باید با یک انجمن رسمی دانشجویی هماهنگ باشی. یا برای اینکه در فضای دانشگاه و بین دیگر دانشجویان بعنوان یک فعال اجتماعی شناخته شوی، باید توسط دانشجویان بیشتر شناخته شده یا به عبارتی معروف دانشگاه معرفی شوی. در غیر اینصورت کار، فعالیت و ایده های تو زیاد مورد توجه قرار نخواهد گرفت. این ساختار فعالیت دانشجویی در فضای دانشگاه البته اخیراً و بخصوص با افزایش میزان حضور دانشجویان دختر کمی بهتر شده است اما در کل این ساختار، ساختاری مرد-محور است.

من در هستیا با یک ساختار فمینیستی آشنا شده و کار کردم. اما هستیا نیز به نوعی یک سازمان یا کانون بود و فعالیت در آن می بایست در راستای قوانین آن انجام گیرد. مثلاً هر کس باید بیش از ۶ ماه عضو فعال کانون باشد تا بتواند در رای گیری شورای مرکزی کانون (بدنه اصلی تصمیم گیرنده) شرکت کند. اما در کمپین تنها مسئله مهم باور داشتن به اهداف کمپین است. مهم نیست چقدر مشهور باشی، یا چه زمانی به جنبش پیوسته باشی یا حتی چقدر قابلیت و تجربه داشته باشی. همه اعضای کمپین از نظر ارزش و اعتبار با هم برابرند.

فضای اجتماعی تا پیش از شروع کمپین بسیار بازتر بود. دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی بود. به عبارت دیگر فرصتهای بیشتری برای درگیر شدن با فعالیتهای اجتماعی وجود داشت. اما جنبش زنان و سازمانهای فعال در حوزه زنان در آن دوره بسیار جوان و تازه کار بودند. گروهها و ان جی او های زنان تازه بطور رسمی شروع به شکل گیری کرده بودند. این تجربه جدیدی برای فعالان حقوق زنان محسوب می شد. در طول آن دوره، بحث و گفتگو درباره مواردی که امروز با آن مواجه ایم وجود نداشت؛ مثل کار کردن در شرایط بحرانی یا هزینه دادن برای فعالیت در حوزه زنان.

اما شروع کمپین با بسته شدن و هرچه بیشتر محافظه کار شدن فضای جامعه همزمان شد. به همین دلیل فعالان کمپین با کار در شرایط بحرانی و امنیتی روبرو شده و خود را برای آن آماده کردند. فعالان کمپین در خلال این تجربه یاد گرفتند که آنچه بیش از شرایط بحرانی و امنیتی اهمیت دارد، اهداف و مطالبات ماست. فعالیت در کمپین به بسیاری از آنان آموخت که از شرایط و اتفاقات نترسند. هزینه فعالیت در راستای مطالبات خود را بپردازند و به کار خود ادامه دهند. آنچه در کمپین بیش از هر چیز برای من اهمیت دارد این است که کمپین فضایی ایجاد کرد تا زنان با پیشینه ها و دورنماهای متفاوت در کنار هم کار کرده و همبستگی میان خود را در مسیر دستاوردها و اهداف مشترکشان مستحکم تر کنند.

خبرهای :

ششم دیماه ۱۳۸۸ - ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹

لحظه به لحظه بر شدت درگیری ها در مناطق مختلف تهران افزوده می شود؛

سرپیچی ماموران گارد ویژه از شلیک مستقیم به مردم!

جرس: ماموران گارد ویژه از دستورات فرماندهان خود مبنی بر شلیک مستقیم به سمت مردم سرپیچی می کنند.

به گزارش خبرنگار جرس، در حالی که لحظه به لحظه بر شدت درگیری ها در مناطق مختلف تهران افزوده می شود و کنترل بسیاری از مناطق شهر از دست پلیس خارج شده است، فرماندهان نظامی از نیروهای خود در مناطق مرکزی شهر خواسته است تا برای متفرق کردن مردم از شلیک تیر مستقیم استفاده کنند. اما ماموران از این اقدام سرپیچی می کنند که خود موجب مشاجراتی بین نظامیان و فرماندهان آنها شده است. خبرنگار جرس که خود در محل حادثه در نزدیکی های میدان انقلاب حضور داشت می گوید: در پی این مشاجره فرمانده این نیروها در برابر یکی از اعضای گارد که گفت "من هرگز مردم کشور خودم را نخواهم کشت"، به صورت او سیلی زد و او را تهدید به تشکیل دادگاه نظامی کرد.

بنا بر مشاهدات خبرنگار جرس هر لحظه بر مردم تازه نفس افزوده می شود این در حالی است که ماموران گارد خسته و عصبی به نظر می رسند. ۶ دیماه ۱۳۸۸

تهران به شدت ملتهب است؛

مردم به بسیجی ها حمله کردند

گویانویز: حمله نیروهای پلیس به گروهی از تظاهرکنندگان در نزدیکی میدان فردوسی در روی پل چوبی در خیابان انقلاب ترافیک بسیار سنگین گزارش شده است.

شاهدان عینی هم اکنون -ساعت یازده صبح- از خیابان حافظ جنوبی دقایقی پیش گزارش دادند نیروهای نظامی ای که نظاره گر مردم بودند یورش وحشیانه ای را به سوی مردم آغاز کرده اند.

تهران به شدت ملتهب است! سیل مردم سرازیر به سوی خیابان انقلاب...چندین موتور آتش زدند و مردم با سنگ بسیجی ها را میزنند. مردم در دسته های بزرگ به خیابان میایند. شعارها نترسید نترسید ما همه با هم هستیم. یا حجت بن الحسن ریشه ظلم رو بکن در تقاطع خیابان های حافظ و سمیه جمعیت به بیش از هزار نفر رسیده است و همچنین جمعیت زیادی از مردم در میدان امام حسین بدون هرگونه شعار و در سکوت کامل تجمع کرده اند علی رغم تدابیر امنیتی نیروهای نظامی جمعیت بسیار زیادی از مردم هم اکنون در خیابان انقلاب تهران هست. ۶ دیماه ۱۳۸۸

جمعیت انبوه در مقابل پارک دانشجو پلیس

وماموران را وادار به عقب نشینی کردند.

خبرنگار آژانس ایران خبر، تهران، عاشورا، ساعت ۱۱:۳۰: جمعیت انبوه پس از درگیری در چهارراه ولی عصر در مقابل پارک دانشجو پلیس وماموران را وادار به عقب نشینی کردند. تمام خیابان مملو از جمعیت مردم بود، هم اکنون درگیری در خیابان خارك شدید شده ولی جمعیت مردم بسیار زیاد است و صدای شلیک دروایعصر شنیده میشود. ۶ دیماه ۱۳۸۸

کشته شدن سه نفر در درگیری های پل کالج

در درگیری های صورت گرفته در پل کالج متأسفانه سه تن از هموطنانمان شهید و دو تن زخمی شدند. به گزارش خبرنگار جرس که خود در صحنه حاضر بود این سه تن در پل کالج و توسط شلیک مستقیم نیروهای نظامی به شهادت رسیدند، همچنین دو تن دیگر از مردم توسط لباس شخصی ها به شدت زخمی شده اند. ۶ دیماه ۱۳۸۸

مردم در خیابان کریمخان

خودرو ضد شورش را به آتش کشیدند

روشننگری: اعتراضات مردم بخصوص در تهران همچنان ادامه دارد و ویدئوی جدیدی که در یوتیوب انتشار داده نشان می دهد که مردم خودرو ضد شورش را در خیابان کریمخان به آتش کشیده اند. بر اساس خبرها نارمک، خیابان دماوند و تهران پارس گروههایی از جوانان مردم را دعوت به پیوستن به اعتراضات می کنند. قرار است شام غریبان از طریق تجمع در میدان محسنی و سایر میدانی تهران برگزار شده و اعتراضات ادامه یابد. بخش هایی از مناطق مرکزی تهران به کنترل معترضین درآمده است. در اعتراضات امروز تهران تاکنون حداقل ۴ نفر کشته و دهها نفر زخمی شده اند. ۶ دیماه ۱۳۸۸

حداقل پانزده نفر از تظاهرکنندگان از جمله خواهرزاده میرحسین

موسوی به ضرب گلوله مزدوران رژیم کشته شدند.

نحوه قتل سید علی حبیبی موسوی از جان

باختگان اعتراضات عاشورای تهران

علی حبیبی موسوی توسط افراد ناشناس در مقابل منزل ترور شد.

به گواه شاهدان، "سید علی حبیبی موسوی" ۳۴ ساله، فرزند خواهر مهندس میرحسین موسوی که پیش از این در چند نوبت مورد تهدید تلفنی قرار گرفته بود و سرانجام ظهر گذشته توسط عناصر ناشناس به قتل رسید.

به گزارش واحد اندیشه و بیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به نقل از خانواده مرحوم، ظهر روز گذشته مورخ ۶ دیماه، یک دستگاه پاترول دارای ۵ نفر سرنشین پس از خروج سید علی موسوی از منزل، با حرکتی غیرمعارف که منجر به تصادف و زخمی شدن چند رهگذر نیز شد، به آقای موسوی نزدیک شده و پس از خروج از ماشین به سمت سینه وی از فاصله بسیار نزدیک تیراندازی می نمایند.

نامبرده پس از انتقال به بیمارستان و علیرغم تلاش پزشکان جان خود را بر اثر شدت آسیب وارده از دست داد. آقای سید علی موسوی برادر یکی از شهدای جنگ و دارای دو فرزند ۱۷ و ۷ ساله بود.

لازم به ذکر است در زمان تنظیم این گزارش نیروهای امنیتی با حضور در بیمارستان مورد اشاره بر انتقال جسد آقای موسوی به پزشکی قانونی کهریزک اصرار می ورزند. خبرگزاری هرانا

شمار کشته شدگان عاشورای امروز تهران دست کم به پانزده نفر رسید. شاهدان عینی شمار کشته شدگان ناآرامی های امروز تهران را بیش از این رقم اعلام کرده اند. درگیری ها و اعتراض های امروز تهران، خونین ترین تظاهرات اعتراضی در شش ماه اخیر ایران بوده.

سایت جرس در گزارش امروز خود تصریح کرده است که حداقل سه تن از قربانیان امروز توسط شلیک مستقیم و هدفدار گلوله پلیس از پای درآمدند. ۶ دیماه ۱۳۸۸



خشونت بی سابقه پس از ۳۰ خرداد ۱۳۸۸

خبرگزاری هرانا: خشونت های امروز در تهران پس از ۳۰ خرداد بی سابقه بوده است، به طوری که نیروهای انتظامی برای جلوگیری از خشونت به حمایت از مردم برخاست و به گزارش شاهدان در برخی نقاط تهران نیروهای پلیس برای جلوگیری از ضرب و شتم مردم در مقابل آنها صف آرایی کرده اند.

درگیری در تبریز و احتمال قتل ۴ نفر.

روشنگری: براساس خبرهایی که از تبریز انتشار یافته در پی خروج دستجات عزاداری سنتی درگیری در اغلب تکیه‌های تبریز شروع شده‌است. سایت "جرس" با انتشار این خبر افزود: "مردم بعد از خروج از تکیه‌های میدان سامان، تکیه بازار، بازار امیر، راست کوچه، زعفرانیه و ولی‌عصر در حالی که چوب دستی حمل می‌کنند، شعار می‌دهند: "هرگل که تو پرپر کنی، ما بکاریم و صد چندان کنیم".

خبرهای ثانیه نشده حکایت از درگیری نیروهای امنیتی و لباس شخصی با مردم و مجروح شدن عده‌ی زیادی و کشته‌شدن حداقل ۴ نفر دارد."

یورش خودروی نظامی به مردم معترض و قتل دو شهروند

خبرگزاری هرانا - حقوق شهروندان، اندیشه و بیان: خودرویی نظامی وابسته به نیروی انتظامی ایران با یورش به شهروندان معترض دست کم دو شهروند را به قتل رساند.

به گزارش واحد اندیشه و بیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ظهر روز جاری در محدوده میدان ولیعصر شهر تهران، پس از ناکامی نیروهای نظامی در پراکنده کردن مردم معترض و همچنین اشغال یک ایستگاه پلیس در این میدان به دست شهروندان مورد اشاره. یک دستگاه خودروی وانت نظامی با حرکت غیرمعارف اقدام به یورش و زیرگرفتن تعداد زیادی از شهروندان و سپس فرار از صحنه نمود.

در این حادثه به گواه شاهدان عینی دست کم دو تن از شهروندان جان باخته و پانزده تن دیگر نیز دچار صدمات جدی شدند.

پیش تر احمدرضا رادان، جانشین فرمانده نیروی انتظامی به خبرگزاری فارس گفته بود دو تن از جان باختگان امروز بر اثر تصادف با خودروی شخصی جان باخته اند، این در حالی است که **ویدئوی منتشر** به این موضوع به خوبی نظامی بودن این خودرو را نشان می‌دهد.

نیروی انتظامی تاکنون مرگ دست کم پنج شهروند در شهر تهران را در طی اعتراضات روز جاری تأیید کرده است، این در حالی است که منابع غیر دولتی جان باختگان وقایع امروز را دست کم نه تن اعلام داشته اند.

تظاهرات و درگیری در شهر مشهد

مشهد شهرهای تبریز، اراک، نجف آباد، شیراز و رشت صحنه خبرگزاری هرانا - حقوق شهروندان، اندیشه و بیان: براساس گزارش های رسیده، نیروهای امنیتی شهر مشهد به مراسم عزاداری مردم و دانشجویان در دفتر آیت الله صانعی در مشهد حمله کردند.

به گزارش سایت اینترنتی (جرس) نیروهای امنیتی و لباس شخصی دست کم ۷ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و ۱۰ تن از مردم عادی را در حوالی خیابان آزادی و چهار راه شهدای مشهد بازداشت کردند.

حسین قابل، برادرزاده احمد قابل و هادی سجادی از جمله بازداشت شدگان گزارش شده اند.

برخی اعتراضات پراکنده نیز در خیابان امام رضای مشهد پیش از ظهر روز عاشورا گزارش شده است.

چهار کشته و

تعدادی زخمی در ناآرامی های تبریز

بنابر گزارشات رسیده از ایران در ناآرامی های امروز تبریز نیز حداقل چهار تن از تظاهرکنندگان در درگیری با مزدوران حکومتی کشته شده اند. سایت جرس با انتشار این خبر افزوده است که شمار قابل توجه ای از تظاهرکنندگان امروز تبریز نیز در درگیری با یگان های ویژه نیروی ضدشورش زخمی شدند.

۵۰ نفر از بازداشت شدگان به زندان اوین منتقل شده اند

احتمال دارد که تعداد بازداشت شدگان به ۱۰۰۰ نفر برسند.

فعالان حقوق بشر در ایران: پس از درگیری های روز ۶ دیماه در پایتخت ایران تعداد بسیاری از مردم معترض بازداشت و به زندان اوین منتقل شده اند.

از شب گذشته تا کنون حداقل ۵۰ نفر از بازداشت شدگان به قرنطینه اصلی زندان اوین، قرنطینه بند ۷، بند ۲۴۰ و بند ۲۰۹ منتقل شده اند. تا زمان تنظیم این گزارش زندانیان جدید نیز در حال انتقال به زندان اوین می باشند که احتمال می رود آمار بازداشت شدگان تا پایان امروز به هزار نفر برسد. ۷ دیماه ۱۳۸۸

تظاهرات سراسری در روز عاشورا علیه رژیم اسلامی

بر اساس گزارشات رسیده در شهرهای تهران، تبریز، اردبیل، مشهد، مهاباد، قم، اراک، شیراز، اصفهان، نجف آباد، مهاباد، ایلام، بابل تظاهرات ضد دولتی انجام شده است

آغاز درگیری ها در میدان هفت تیر / پلیس

ایستگاههای متروی مرکز شهر را تعطیل کرد

جرس: از دقایقی پیش درگیری های پراکنده ای در میدان هفت تیر تهران آغاز شده است. به گزارش خبرنگار جرس در تهران پلیس با استفاده از باتوم سعی در متفرق کردن مردم معترض دارد. صدها نیروی یگان ویژه با خودروهای خود در این میدان و برخی خیابانهای تهران مستقر شده اند. اخبار تکمیلی متعاقلا ارسال خواهد شد. ایستگاههای شهید بهشتی، مطهری و هفت تیر به دستور مقامات نظامی بسته شده است. به گزارش خبرنگار جرس، از دقایقی پیش حضور نیروهای گارد در مناطق مرکزی تهران تشدید شده است و در گیری های پراکنده ای در سطح شهر خصوصا در میدان هفت تیر منتشر شده است. همچنین به دستور پلیس و برای کاهش تردد مردم، ایستگاههای بهشتی، مطهری و هفت تیر تعطیل شده است. اخبار تکمیلی متعاقلا ارسال خواهد شد. گان های ویژه نیروی انتظامی و تعداد زیادی از نیروهای لباس شخصی از عصر امروز (دوشنبه) در میداين مرکزی شهر تهران مستقر شده اند. به گزارش خبرنگار جرس، نیروهای گارد ویژه و لباس شخصی ها در میدان انقلاب، میدان هفت تیر، میدان ولی عصر و میدان فردوسی استقرار پیدا کرده اند. در این حال گزارش هایی نیز از درگیری میان هواداران دولت و معترضان به نتیجه انتخابات در میدان هفت تیر گزارش شده است. ۷ دی ۱۳۸۸ - ۱۸:۵۱

افزایش جانباختگان تظاهرات ۶ دیماه ۱۳۸۸ عکسی از یکی از جانباختگان ۶ دیماه در تهران!



در حالی که سردار رجب زاده فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ ادعا کرده است که درگیری های تهران هیچ کشته به همراه نداشته است، تصاویری که دقیقه به دقیقه از تهران می رسد، نشان می دهد که گروهی از جوانان مردم را با تیراندازی مستقیم به قتل رسانده اند.

کلیپ های ویدئویی متعددی که تا کنون به خارج از کشور ارسال شده است، دروغگویی های این شاگردان گویبار را برملا نموده است.

برخی گزارشات و اخبار ۷ دیماه ۱۳۸۸

بازداشت گسترده فعالان سیاسی در ایران

بی بی سی : روز دوشنبه، ۲۸ دسامبر (۷ دی)، یک منبع نزدیک به نهضت آزادی به بی بی سی گفت که ماموران امنیتی ساعت ۳ بامداد با مراجعه به منزل ابراهیم یزدی، دبیرکل این تشکل سیاسی، او را بازداشت کردند و با خود به محل نامعلومی بردند.

همچنین، گزارش شده است که لیلا توسلی، دختر محمد توسلی و خواهرزاده آقای یزدی نیز ساعت یک و نیم بامداد در منزل پدرش بازداشت شد.

همزمان، گزارش های دیگر حاکی از آن است که عمادالدین باقی، رئیس انجمن دفاع از حقوق زندانیان، بامداد روز دوشنبه در منزل مسکونی خود بازداشت شده است.

پیش از این خبر بازداشت حسین موسوی تیریزی، رئیس مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم هم انتشار یافته بود اما خبرگزاری فارس، به نقل از "یک منبع آگاه" این خبر را تکذیب کرده است.

براساس برخی گزارش ها، چند تن دیگر از روحانیون عضو این مجمع، که از تشکل های اصلاح طلب محسوب می شود، نیز بازداشت شده اند.

روز دوشنبه گزارش هایی هم از بازداشت تعداد دیگری از شخصیت های اصلاح طلب منتشر شد.

از جمله پارلمان نیوز، پایگاه اطلاع رسانی فراکسیون خط امام در مجلس، از بازداشت ۹ تن از مشاوران میرحسین موسوی خبر داده است.

براساس این گزارش، علیرضا حسینی بهشتی، علیرضا بهشتی شیرازی، قربانعلی بهزادیان نژاد و محمد باقریان از جمله این بازداشت شدگان هستند.

پارلمان نیوز همچنین گزارش کرده است که ماموران امنیتی مرتضی حاجی، مدیرعامل، و حسن رسولی، قائم مقام بنیاد باران، نهاد زیر نظر محمد خاتمی، رئیس جمهوری سابق، را دستگیر کردند و همراه با برخی اسناد متعلق به این بنیاد با خود بردند.

سال ۲۰۱۰، سال سرنوشت ساز برای جمهوری اسلامی

راديو بين المللی فرانسه : سال ۲۰۱۰، سالی پر خطر برای جمهوری اسلامی است که ... انشاقی رفع ناشدنی درونش را فراگرفته است.

با عمیقتر و پرمخاطره تر شدن این بحران، سویه حملات مخالفان دیگر نه رئیس جمهوری احمدی نژاد که خود رهبر جمهوری اسلامی، آیت الله خامنه ای را آماج گرفته که به پشتیبانی اش از محمود احمدی نژاد ادامه می دهد : کسی که از نظر مردم معترض با تقلبی گسترده بر دمین کرسی ریاست جمهوری تکیه زده است.

شش ماه پس از شروع تظاهرات اعتراضی در ایران، شعار مخالفان از "رای من را پس بده"، به "مرگ بر دیکتاتور" تحول یافته که اشاره غیرمستقیم به عالیترین رهبران جمهوری اسلامی، از محمود احمدی نژاد تا شخص آیت الله خامنه ای، تلقی می شود.

مخالفان هر نوع ابتکار عمل را از رژیم اسلامی سلب کرده اند تا آنجا که حتا کلیه تظاهرات رسمی دولت را به فرصت ابراز مخالفت علیه وضع موجود تبدیل می کنند.

شکنج های گسترده هزاران شهروند مخالف و تجاوز به آنان در زندان ها، حکم یک آسیب روانی غیرقابل جبران برای ایرانیان را داشته و امکان آشتی و مصالحه میان مخالفان و حکومت را بیش از هر زمان به تحلیل برده است. در مقابله با اعتراض ها، تنها راه حل رژیم اسلامی علاوه بر تشدید سرکوب، جلوگیری از گردش آزادانه اطلاعات بوده است : حکومت اسلامی به هر مناسبت و بهانه از شبکه اینترنت تا شبکه تلفن همراه کشور را قطع می کند و حملات الکترونیکی گسترده ای را علیه سایت های اینترنتی مخالفان به اجرا می گذارد.

بحران سیاسی جمهوری اسلامی را اوضاع وخیم اقتصادی کشور نیز دوجندان کرده است. بیش از چهار سال سیاست های اقتصادی محمود احمدی نژاد و فشارها و تحریم های بین المللی کشور را از زاویه اقتصادی به لبه پرتگاه سوق داده اند.

نیمی از واحدهای تولیدی کشور تعطیل و ورشکسته شده اند و ۸۷٪ بیکاران کشور را جوانان بین ۱۶ تا ۳۰ سال تشکیل می دهند. بیکاری و فقر جوانان و سرخوردگی ها و ناکامی های سیاسی و اجتماعی آنان، این جمعیت جوان را به بمبی ساعتی تبدیل کرده است. سال ۲۰۱۰ همچنین به دلیل تشدید تحریم ها برای جمهوری اسلامی سال پرخطری خواهد بود. ۶ دیماه ۱۳۸۸ - ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹

جسد علی حبیبی موسوی از بیمارستان ربوده شد!

خبرهای روز دوشنبه حاکی از آن بود که جسد علی حبیبی موسوی، خواهرزاده میرحسین موسوی، که روز یکشنبه در وقایع خشونتبار و خونین عاشورا در تهران به قتل رسیده بود، توسط افرادی ناشناس ربوده شده است. پارلمان نیوز در رابطه با چگونگی قتل اطلاع داده بود که مقتول از ناحیه قلب، هدف گلوله قرار گرفته است.

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، بعدازظهر روز دوشنبه اعلام کرد که جسد او «برای تکمیل تحقیقات نگهداری می شود».

با این حال خبرگزاری جمهوری اسلامی نه به منبع این خبر اشاره کرده و نه می گوید که جسد خواهرزاده میر حسین موسوی توسط چه نهاد یا کسانی از بیمارستان انتقال داده شده و اکنون در کجا نگهداری می شود.

برادر مقتول روز دوشنبه به پارلمان نیوز گفته است: " جنازه برادرم را از بیمارستان این سینا برده اند و ما هر کجا می گردیم کسی مسئولیت قبول نمی کند." ۷ دیماه ۱۳۸۸ - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۹

محمد معین ، فرزند مصطفی معین وزیر پیشین علوم در تظاهرات

امروز مردم تهران پس از ضرب و شتم، بازداشت شد.

خبرگزاری هرانا - حقوق شهروندان، اندیشه و بیان: محمد معین فرزند مصطفی معین وزیر پیشین علوم در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی در تظاهرات امروز تهران بازداشت شده است. به گزارش واحد اندیشه و بیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، محمد معین فرزند مصطفی معین وزیر علوم دولت سید محمد خاتمی در تظاهرات امروز پس از ضرب و شتم شدید توسط نیروهای گارد ویژه بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شده است.

حشمت الله طبرزدی، اردوان تراکمه و امید منتظری

دستگیر شدند.

حشمت الله طبرزدی، بازداشت شد. خبرگزاری جبهه متحد دانشجویی اعلام کرد براساس خبرهای واصله مقارن ظهر ۷ دیماه مامورین وزارت اطلاعات با مراجعه به منزل مهندس حشمت اله طبرزدی وی را بازداشت نموده و به مکان نامعلومی بردند. مامورین با ارائه حکم ضمن بازرسی منزل وسایل شخصی کیس کامپیوتر و یادداشت های طبرزدی رانیز باخود بردند. گفتنی است پیش از این طبرزدی بارها بازداشت شده و در آخرین مورد مدت ۷ سال حبس را تحمل نمود.

فعالین دانشجویی نیز بازداشت شدند. چند تن از دانشجویان دانشگاه تهران، به علت پاره کردن عکس خمینی در شانزده آذر بازداشت شده اند. هنوز اخبار دقیقی در این مورد گزارش نشده است اما این نشان از سرکوب گسترده تر دیکتاتوری موجود دارد. ضمنا اردوان تراکمه و امید منتظری طی یورش به خانه ای امید منتظری در تبریز بازداشت شدند.

ضمنا در راه مسدود کردن رساندن خبرها و توقیف روزنامه ها، صبح امروز علیرضا بهشتی شیرازی مدیر سایت کلمه دستگیر شد.

بقیه : دریایی از خون ملت ایران را از حکومت.....

یک نفر، ده نفر، صد نفر، هزار تن از مردم معترض را می توان کشت، اما همه مردم را نمی توان کشت. بایستی چنان اطمینانی به آینده ای روشن برای همه ی مردم ایجاد کرد تا همه ای آنان عملاً با شرکت خود در نهضتی مسالمت آمیز چون سیلی خروشان حکومت اجامر و اراذل را از جا برکنند. هرگونه اهمالی موجب دوام حکومت اوباشان خواهد شد.

آری، همه ی ملت را نمی توانند کشت. پس راهی برگزینیم تا هفتاد میلیون ایرانی به سیل خروشان به پیوندند تا این نظام اوباشان و اجامر را- که به ملت ما ظلم و ستم بی نهایت کرده اند، کشور و فرهنگ ما را در چشم جهانیان بدنام ساخته اند، و آینده کشور را چنان تاریک کرده اند که راهی جز مهاجرت پیش پای جوانان آن نیست- به یکباره از جا برکنند. این فرصت طلایی را نایبستی از دست داد. بکوشیم تا ملتی هفتاد میلیونی در این نهضت شرکت جویند. هنگامی که نتوانند هفتاد میلیون را بکشند، دیگر نخواهند توانست حتی یک نفر را بکشند. این است منطق مبارزه ای ملی، دموکراتیک، و آزادیخواهانه.

ششم دی ماه ۱۳۸۸ - ۷ دی ۱۳۸۸